



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان : مجاهد جهاد تبیین

موضوع : سه راهبرد کاروان حسینی ۲

مناسبت : اربعین ۱۴۰۱

کانال منبر آسمانی @m_asemani

سخنرانی : ۳۵۷

معرفی ام المومنین حضرت اُمّ سَلَمَه

جناب اُمّ سَلَمَه یکی از همسران مومن پیامبر خدا هستند که ام المومنین خوانده شده‌اند. ایشان با پذیرش اسلام، در سال‌های نخستین بعثت حضرت محمد، در زمره اولین مسلمانان در آمد و به دستور پیامبر همراه با عده‌ای از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابیطالب به حبشه مهاجرت کرد. او که قبل از پیامبر ازدواج کرده بود، در سال چهارم هجری پس از وفات شوهرش به عقد پیامبر در آمد. ام سلمه همواره در همراهی اهل بیت می‌کوشید و پس از رحلت پیامبر نیز یکی از مدافعان اهل بیت به شمار می‌رفت.

ام سلمه مدافع حضرت زهرا

چنانکه از حضرت فاطمه در مسأله میراث پیامبر دفاع کرد. همچنین از حضرت فاطمه در برابر انکار ابوبکر نسبت به میراث پیامبر دفاع کرد و غاصبین حکومت هم به جهت تنبیه او یک سال حق او را از بیت المال قطع نمودند.

جنگ جمل و نقش ام سلمه

پس از قتل عثمان وقتی که طلحه و زبیر به مکه رفتند و عایشه را به جنگ با علی تشویق کردند. عایشه نیز قصد داشت ام سلمه را برای جنگ برانگیزد، اما وی آنرا نپذیرفت و عایشه را نیز از این کار بر حذر داشت. ام سلمه امام علی را از قصد اصحاب جمل آگاه کرد و پسرش عمر بن ابی سلمه را به خدمت آن حضرت فرستاد.

محبت به امام حسین

محبت وی به اهل بیت تا بدانجا بود که تربیت امام حسین - در دوران کودکی - به ایشان محول شده بود. و حتی در دوران یزید پس از شهادت حضرت امام حسین به عزاداری پرداخت.

ام سلمه مجاهد جهاد تبیین

وقتی به صورت کلی به زندگی و شخصیت حضرت ام سلمه توجه می کنیم درمی یابیم که ایشان از افرادی بودند که در مواقع ابهام و اوقات فتنه و درهم شدن حق و باطل، برای مردم رونشگری و تبیین می کردند و از اهل بیت با زبان و اعلام موضع دفاع می کردند، درواقع می توانیم ام المومنین ام سلمه را مجاهد جهاد تبیین بنامیم.

راهبرد کاروان حسینی

عرض کردیم، وقتی به جامعه ی مسلمانان سال ۶۱ ه ق مینگریم متوجه می شویم که کاروان حسینی پس از شهادت سیدالشهدا علیه السلام با سه رویکرد و سه مولفه ی اصلی، قیام حضرت را به بهترین وجه ممکن ادامه دادند، امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب کبری در برخوردها، گفتگوها، منازل و اتفاقات سختی که در طول دوران اسارت رخ داد از این سه راهبرد برای آگاهی مردم بهره بردند:

۱. تعجیز ۲. تبیین ۳. تهاجم

معنای تبیین

تبیین در لغت به معنای، هویدا شدن، پیدا شدن، آشکار شدن، بیان کردن و آشکارا ساختن آمده است. به عبارت دیگر ما وقتی نیاز به تبیین داریم که اشخاص یا گروههایی در صدد مخفی کاری و از بین بردن جریان حق هستند، در واقع تبیین در مقابل اخفا و مخفی کاری انجام می شود.

راهبرد تبیین در کاروان حسینی

این برداشت و معنای فوق در جریان قیام سیدالشهدا علیه السلام به وضوح قابل درک و لمس است، چرا که سردمداران حزب ملعونه بنی امیه در صدد بودند با فریب مردم و دروغ پراکنی در جامعه مردم را نسبت به قیام حضرت بی اطلاع و بلکه بر علیه آن حضرت تربیت کنند، لذا یکی از راهبردهای اصلی کاروان حسینی در طول مسیر اسارت، تبیین و بیان واقعیت ها برای عموم مردم بود. به عنوان نمونه به گزارش ذیل توجه نمائید.

گفتگوی تبیینی امام سجاد علیه السلام با پیرمرد شامی

راوی می گوید: خاندان رسول خدا را آوردند تا وارد شهر دمشق کردند. از آنجا آوردند و بر پلکان مسجد - محلّ نگه داری اسیران - نگاه داشتند. در این هنگام پیرمردی آمد تا به آنها نزدیک شد و گفت:

«خدای را سپاس که شما را کشت و نابودتان کرد و مردان را از ستم شما آسوده ساخت و امیر مؤمنان را بر شما چیرگی بخشید».

سپس امام علی بن الحسین به او فرمود: ای پیرمرد! آیا قرآن خوانده‌ای؟ گفت: بلی، خوانده‌ام. فرمود: آیا آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۱ را خوانده‌ای؟ پیرمرد گفت: آری، آن را خوانده‌ام. امام علی بن الحسین فرمود: ای پیرمرد، «القربی» (خویشاوندان) ماییم! باز آن حضرت فرمود: آیا در سوره بنی اسرائیل آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»^۲ را خوانده‌ای؟ پیرمرد گفت: آری، آن را خوانده‌ام. حضرت فرمود: ای پیرمرد، «خویشاوندان» ماییم!؛

۱. شوری (۴۲)، آیه ۲۳.

۲. الاسراء (۱۷)، آیه ۲۶.

باز پرسید: آیا آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ»^۳ را خوانده‌ای؟ ای پیرمرد بدان که مراد از ذی القربی در این آیه ما هستیم.

باز پرسید: آیا آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا»^۴ را خوانده‌ای؟ پیرمرد گفت: آن را خوانده‌ام. فرمود: بدان که اهل بیت ماییم و آیه تطهیر مخصوص ما است.^۵

^۳. بدانید که هرگاه چیزی به غنیمت گرفتید، خمس آن از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان است. (انفال (۸)، آیه ۴۱).

^۴. بگو: برای این رسالت از شما مزدی، جز دوست داشتن خویشاوندان، نمی‌خواهم. (الاحزاب (۳۳)، آیه ۲۳).

^۵. الفتوح، ج ۲، ص ۱۸۳؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۵۳، ح ۱۹۱؛ امالی صدوق، ص ۲۳۰ و به نقل از آن بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۵۴؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۹۱؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۲۰ و به نقل از آن بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۶، ح ۹؛ مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۶۱؛ الدر المنثور، سیوطی، ذیل آیه ۲۳ شوری و ۲۶ اسراء (با اندکی تفاوت). در آنجا آمده است که پیرمرد شامی - پس از بلند کردن دست‌هایش به آسمان - گفت: پروردگارا من به پیشگاهت توبه می‌کنم - سه بار - پروردگارا من از دشمنی با آل محمد (ص) و از دوستی با قاتلان خاندان محمد (ص) توبه می‌کنم. تا عمر داشته‌ام پیوسته قرآن خوانده‌ام، ولی تا امروز هیچ از آن ندانسته‌ام.

ادامه گزارش در کتاب ارزشمند «اللّهوف» آمده است: پیرمرد برای مدتی ساکت ماند و از گفته‌های خویش پشیمان شد. آن گاه گفت: به خدا سوگند، آیا اینان شما هستید؟ حضرت فرمود: به خدا سوگند، بدون شك اهل بیت پیامبر ما هستیم. پیرمرد گریه کرد و عمامه‌اش را بر زمین افکند. آن گاه سر را به آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا من از دشمنان محمد و آل محمد از جنّ و انس، به سوی تو بیزاری می‌جویم.

آن گاه گفت: آیا می‌توانم توبه کنم؟ حضرت به او فرمود: آری، اگر توبه کنی خداوند توبه‌ات را می‌پذیرد و توبه‌ها ما هستی. پیرمرد گفت: من پشیمان هستم و توبه می‌کنم.^۶

چون داستان پیرمرد به گوش یزید بن معاویه رسید فرمان داد که او را کشتند.^۷

^۶ شاوی، علی، با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه، جلد: ۶، صفحه: ۱۰۲، زمزم هدایت، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

^۷ الملّهوف، ص ۲۱۱، تسلیة المجالس، ج ۲، ص ۳۸۴؛ الصواعق المحرقة، ص ۳۴۱ (باب وصیة النبی بهم)؛ ینابیع المودة، ج ۲، ص ۳۰۲.

دو نکته مهم درباره جهاد تبیین

به دو نکته مهم ذیل این گزارش باید توجه نمائیم:

۱. فطرت های پاک مستعد تبیین اند

امام سجاد در اولین فرصت و هرجایی که سرشتی پاک می یابد، به انجام جهاد تبیین می پردازد. با آنکه آن پیرمرد شامی کسی بود که مدّت درازی را در سایه حکومت اموی زندگی کرده و امام علی و هیچ يك از فرزندان او را ندیده بود، اما از فطرتی سالم برخوردار بود.

۲. جامعه تحت هجوم رسانه ها محتاج تبیین است

این گزارش تاریخی از حاکم بودن فضای مسموم تبلیغاتی و روانی بر جامعه ای حکایت می کرد که زیر سیطره حکومت بنی امیه پرورش یافته بودند. آنان چنین تبلیغ کرده بودند که آن کس که کشته شده است، مردی است که بر ضدّ امیر مؤمنان و خلیفه مسلمانان خروج کرده و قصد داشته است تا با انگیزه فتنه، جامعه را دچار تفرقه کند.^۱ از همین

^۱. از این رو می بینیم که امام حسین (ع) خود به این جنبه اهتمام می ورزد و می فرماید: من از روی سرکشی و غرور قیام نکرده ام.

رو می‌بینیم که آن پیرمرد شامی هنگام روبرو شدن با امام، برای نخستین بار، خداوند را به خاطر قتل حسین ستایش می‌کند و می‌گوید: خدای را سپاس که شما را کشت و نابودتان کرد و مردم را از ستم شما آسوده ساخت و امیرمؤمنان! را بر شما چیرگی بخشید. اما پس از آنکه واقعیت برای او آشکار می‌شود، از گفته‌اش به درگاه خداوند توبه می‌کند و از قاتلان و دشمنان اهل بیت رسول خدا بیزار می‌جوید. اکثریت جامعه‌ی شام همانند این پیرمرد بودند. تبلیغات اموی آنها را گمراه ساخته و از شناخت اهل بیت رسول خدا باز داشته بود. از این رو، یزید تحمّل نکرد و فرمان داد که آن پیرمرد را کشتند؛ تا - به پندار خودش - بر اوضاع چیره شود.^۹

جهاد تبیین امروز چیست؟

ما برای یاری رساندن به کاروان حسینی باید با الگو گرفتن از حضرت زینب و امام سجاد علیهماالسلام به امر مقدس جهاد تبیین بپردازیم، باید امروز برای بیدار کردن مردم از اربعین بگوییم،

^۹ شاوی، علی، با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه، جلد: ۶، صفحه: ۱۰۴، زمزم هدایت، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

- وظیفه داریم از عظمت اربعین سیدالشهدا بگوییم
- وظیفه داریم از اتفاقات شیرین و تجربه فوق العاده پیاده روی اربعین بگوییم
- وظیفه داریم از لذت معنوی حاکم در فضای پیاده روی بگوییم
- وظیفه داریم از برکات و آثار زیارت در زندگی خود و دیگران بگوییم
- وظیفه داریم روایات کم نظیر زیارت سیدالشهدا علیه السلام را برای همدیگر بگوییم

هشدار امام صادق به ترک کنندگان زیارت

امام صادق در وایت تکان دهنده ای به یکی از دوستانشان فرمود:

يَا عَلِيُّ! بَلَّغْنِي أَنْ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا يَمُرُّ بِأَحَدِهِمُ السَّنَةُ وَالسَّنَتَانِ لَا يَزُورُونَ الْحُسَيْنَ؟ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَعْرِفُ أَنْسَاءً كَثِيرَةً بِهَذِهِ الصِّفَةِ. قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لِحَظِّهِمْ أَخْطَأُوا وَعَنْ ثَوَابِ اللَّهِ زَاغُوا وَعَنْ جِوَارِ مُحَمَّدٍ ص تَبَاعَدُوا..... أَمَا إِنَّهُ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عُذْرٍ وَلَا عِنْدَ رَسُولِهِ مِنْ عُذْرٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^{١٠}

أَمَّا الْقَرِيبُ فَلَا أَقَلَّ مِنْ شَهْرٍ وَأَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فَفِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ فَمَا جَازَ الثَّلَاثَ سِنِينَ فَقَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَقَطَعَ رَحِمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ

شنیده‌ام برخی از شیعیان ما هستند که دو سه سال بر آنها گذشته ولی به زیارت مرقد حسین نرفته‌اند. آن شخص پاسخ داد: آقا جان! خیلی‌ها هستند که این‌گونه هستند. حضرت با تعجب فرمود: مگر می‌شود؟! این افراد در روز قیامت چگونه می‌خواهند جواب پیامبر را بدهند؟

در حدیث دیگری، اصحاب پرسیدند: هر چند وقت یک‌بار باید به زیارت حسین برویم؟ امام صادق فرمود: غیبت از زیارت قبر حسین

^{١٠} کامل‌الزیارت، ص ٢٩٦ و ٢٩٧

نباید بیش از سه سال طول بکشد؛ در غیر این صورت مورد عاق و شکایت رسول خدا قرار می‌گیرید.